

## قاعده‌الواحد از منظر میرزا مهدی آشتیانی

روح‌اله آدینه<sup>۱</sup>، سیده فاطمه بابایی<sup>۲</sup>، عادل‌ه فلاح دریاسری<sup>۳</sup>

### چکیده

قاعده‌الواحد لایصدر عنه الا الواحد» یکی از اساسی‌ترین قواعدی است که در فلسفه و بطور خاص در مباحث چگونگی پیدایش جهان به آن استناد میشود. این قاعده در طول تاریخ فلسفه سبب بروز منازعات بسیاری شده است؛ تعداد زیادی از فیلسوفان برای بیان نظریه‌ی جهان‌شناختی خود به این قاعده استناد کرده‌اند و گروهی دیگر آن را با قدرت و اختیار مطلق حق‌تعالی کاملاً ناسازگار دانسته‌اند و بهمین دلیل به مخالفت شدید با آن پرداخته‌اند. میرزا مهدی آشتیانی از جمله علمایی است که برغم اینکه فیلسوفی مشهور و دارای آراء بدیع بسیار است، کمتر به آراء وی پرداخته شده است. او توجه بسیاری به قاعده‌الواحد داشته و با چندین برهان عقلی و نقلی و استناد به آیات و روایات گوناگون، بدنبال اثبات آن بوده است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و با نظر به مستندات تاریخی گردآوری شده، تلاش میکند نخست منشأ پیدایش قاعده‌الواحد را بررسی کرده و سیر تاریخی آن را در میان حکما بیان نماید، سپس به بیان دیدگاه میرزا مهدی آشتیانی در باب قاعده‌الواحد پرداخته و براهین عقلی و نقلی

۱۰۱

۱. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)؛  
dr.adineh@isr.ikiu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران؛  
s.fateme.babae@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران؛  
fallah.adeleh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۶ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.12.1.5.1

مورد استناد وی را تحلیل و بررسی میکند.  
کلیدواژگان: بساطت، واحد، صدور، سنخیت، قاعده‌الواحد، میرزا مهدی آشتیانی.

\* \* \*

## مقدمه

قاعده‌الواحد یکی از قدیمیترین قواعد تاریخ فلسفه است که منازعات بسیاری را در میان حکما برانگیخته است. بر اساس این قاعده، از واجب الوجود که واحد و بسیط محض است، صرفاً یک موجود بیواسطه پدید می‌آید و سایر موجودات بنحو سلسله مراتب، یکی پس از دیگری صادر میشوند.

با ورود این قاعده به جهان اسلام، بسیاری از فیلسوفان به دفاع از این قاعده پرداختند و تبیین‌هایی متعدد از آن ارائه کردند و با براهین بسیار سعی در اثبات آن داشتند و عده دیگری نیز با این قاعده بشدت مخالفت نمودند. میرزا مهدی آشتیانی یکی از فیلسوفانی است که درباره این قاعده تأمل بسیار کرده و از آن دفاع نموده است.

او از نوادگان میرزا حسن آشتیانی و از خاندان مشهور آشتیانی است که از روحانیون بانفوذ زمان مشروطه بودند. او در تهران به دنیا آمد و دوران کودکی و نوجوانی خود را در این شهر گذراند (آشتیانی، ۱۳۶۷: ۱۰-۱۲). میرزا مهدی در اکثر علوم زمان خود، مانند فقه، کلام، فلسفه، عرفان، صرف، نحو، معانی، تفسیر و ریاضی تبحر داشت. بیشترین مهارت او در فلسفه و عرفان بود که نزد پدر خود آن را فراگرفت و در سایر علوم نیز از محضر اساتید بزرگی چون آقاشیخ مسیح طالقانی، آقاسید عبدالکریم لاهیجی، شیخ فضل‌الله نوری، میرزا جهانبخش منجم بروجردی، آقاشیخ محمدحسین ریاضی، میرزا غفاریان نجم‌الدوله، شیخ عبدالحسین سیبویه، میرزا ابوالقاسم نائینی، میرزا علی‌اکبر اطباء و میرزا ابوالحسن خان رئیس‌الاطباء بهره برده است.

او علاوه بر تحصیل، به تدریس علوم عقلی و نقلی نیز مشغول بود و حوزه دینی وسیعی را، بویژه در حکمت و عرفان پدید آورد. تعدادی از شاگردان او عبارتند از: محمدصادقی تهرانی، مسلم ملکوتی، عبدالجواد فلاطوری، مهدی محقق، مهدی حائری یزدی، آیت‌الله سیدعلی سیستانی، محمدتقی دانش‌پژوه، آقا سیدهوشنگ مطهری، جعفر زاهدی، سیدمهدی موسوی مازندرانی، عبدالرحیم مدرس تبریزی (امینی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۷۹-۱۷۶).

۱۰۲

